

مهرآموزشگاه		مدیریت آموزش و پرورش آبادان دبیرستان غیردولتی پسرانه بهجت		
سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۹۹	پایه : دهم	رشته : کلیه رشته ها	آزمون درس : نگارش ۱	
امتحان: نوبت دوم	مدت :	ساعت شروع :	روز : دوشنبه تاریخ : ۲۰ / ۲ / ۱۴۰۰	
نام دبیر :	شماره کارت :	نام پدر :	نام و نام خانوادگی :	

ردیف	سوالات	نمره
------	--------	------

۲۰

الف (بازشناسی (۳)

۱- نوشته های زیر را بخوانید و فضای حاکم بر آنها (عینی و ذهنی) را مشخص کنید. و درباره پاسخ خود، استدلال کنید.

الف) کلاغی قار زد و از روی درخت کاج خانه همسایه پرکشید و نشست روی تاجی ماشین. مرد جوان، توی چشمهای کلاغ که درشت و مژه دار بود، چیزی دید. کلاغ روی پاهای بلند و لاغرش جستی زد. بلند شد و کمی دورتر نشست و به دانه های بارانی که در چاله ای جمع شده بود، نوک زد. جوانی به زحمت، دستگیره سرد ماشین را گرفت و کشید. کلاغ دوباره پر زد و روی دیوار نشست.

ب) سپیده دمید بی آنکه دریا از آمدنش رنگ آرامش به خود گیرد؛ زمین هنوز دور بود و اندیشه من بر چهره موج آنها در نوسان. منقلب شدنی که از موجهای دریا ناشی می شود و تمامی بدن، آن را به یاد می سپارد. با خود گفتم: آیا خواهم توانست اندیشه ای به این دکل لرزان کشتی بیابیزم؟ ای موجهها، آیا جز آبی که در باد شبانه به این سو و آن سو پراکنده می شود، چیزی نخواهم دید؟

۲- نوشته های زیر را بخوانید و مشخص کنید برای نوشتن آنها نویسنده چه چیزهایی را با هم مقایسه کرده است؟

الف) جنگ واژه ای سه حرفی است. صلح هم سه حرف دارد؛ اما واژه جنگ خشک و خشن است. صلح نرم و ناز. رنگ جنگ سیاه است و بالاتر از سیاهی رنگی نیست. صلح، سپید جامه است. مثل کوه های بلند در زمستان که بهاری سبز را نوید می دهند. زیرا علم جنگ، دشمنان خیمه زده اند و زیر بیرق صلح، دوستان. بعید می دانم کسی، دشمنی را بر دوستی ترجیح دهد. سعدی هم بر همین باور است که می گوید: «پای در زنجیر، پیش دوستان به که با بیگانگان در بوستان».

ب) دیدن به هنر نیست، به دانش هم نیست. مرغ ها هم می بینند. موش ها هم می بینند. گوسفندها و گرگ ها هم می بینند. آدمها هم می بینند. آدمها گاهی مثل مرغ ها می بینند، گاهی مثل موش ها، برخی همچون گوسفندان و برخی مانند گرگ ها. پس دیدن به هنر نیست، به دانش هم نیست. حتی به آدم بودن هم نیست. مرغ ها هستی را نقطه نقطه می بینند. هر نقطه ای یک دانه ارزن، یک دانه گندم، یک حشره مرده، یا هرچیز دیگری که با چینه دان سازگار باشد. نقطه ها به هم نمی چسبند. لحظه ها هم. زندگی یک نقطه بیشتر نیست. درست مثل دانه ارزن، یا هرچیز دیگری که با چینه دان سازگار باشد. آن یک نقطه که تمام شد، نقطه دیگر درست مانند نقطه قبلی است. دیدن به هنر نیست. به دانش هم نیست. دیدن برای من، شاید، تقلا کردنی است در ظلمات به سمت روشنایی.

۳- نوشته زیر را بخوانید و عناصر آن را مشخص کنید.

در یکی از افسانه ها آمده است که مردی هر روز دو کوزه بزرگ آب به دو انتهای چوبی می بست...چوب را روی شانه اش می گذاشت و برای خانه اش آب می برد. یکی از کوزه ها کهنه تر بود و ترکه ای کوچکی داشت. هر بار که مرد، مسیر خانه اش را می پیمود، نصف آب کوزه می ریخت. مرد، دو سال تمام همین کار را می کرد. کوزه سالم و نو، مغرور بود که وظیفه ای را که برای آن خلق شده، به طور کامل انجام می دهد. اما کوزه کهنه و ترک خورده، شرمند بود که فقط می تواند نصف وظیفه اش را انجام دهد. هر چند می دانست آن ترکها حاصل سالها کار است. کوزه پیر آنقدر شرمند بود که یک روز وقتی مرد آماده می شد تا از چاه آب بکشد، تصمیم گرفت با او حرف بزند: «از تو معذرت می خواهم. تمام مدتی که از من استفاده کرده ای، فقط از نصف حجم من سود برده ای... فقط نصف تشنگی کسانی را که در خانه ات منتظرند، فرو نشانده ای». مرد خندید و گفت:

مهرآموزشگاه		مدیریت آموزش و پرورش آبادان دبیرستان غیردولتی پسرانه بهجت		
سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۹۹	پایه : دهم	رشته : کلیه رشته ها	نگارش ۱	
امتحان: نوبت دوم	مدت :	ساعت شروع :	روز : دوشنبه تاریخ : ۲۰ / ۲ / ۱۴۰۰	
نام دبیر :	شماره کارت :	نام پدر :	نام و نام خانوادگی :	
نمره	سوالات			ردیف
	<p>«وقتی برمی گردیم، با دقت به مسیر نگاه کن». موقــح برگشت، کوزه متوجه شد که در یک سمت جاده...سمت خودش... گلها و گیاهان زیبایی روپیده اند. مرد گفت: «می بینی که طبیعت در سمت تو چقدر زیباتر است؟ من همیشه می دانستم که تو ترک داری و تصمیم گرفتم از این موضوع استفاده کنم». این طرف جاده، بذر سبزیجات و گل پخش کردم و تو هم همیشه و هر روز به آنها آب می دادی. به خانه ام گل برده ام و به بچه هایم کلم و کاهو داده ام. اگر تو ترک نداشتی، چطور می توانستی این کار را بکنی؟</p> <p>شخصیت :</p> <p>ماجرای داستان :</p> <p>فضا (حال و هوا، مکان و زمان) :</p> <p>روایت (شیوه بیان، زاویه دید) :</p> <p>ب (آفرینش (۱۷)</p> <p>۴ - با رعایت موارد: «خوش آغازی، پرورش موضوع و خوش فرجامی» از میان موضوعات زیر یکی را به دلخواه انتخاب کنید و درباره آن انشایی بنویسید. حداکثر ۱۵ خط (۱۷)</p> <ul style="list-style-type: none"> • توجه: املاي واژگان، علايم نگارشی و پاکیزه نویسی ۳ نمره دارد. <p>الف) خلاصه بهترین کتابی که خوانده اید.</p> <p>ب) از تو حرکت از خدا برکت</p> <p>ج) یک روز عادی خود را توصیف کنید.</p> <p>د) لحظه افطار ماه مبارک رمضان</p>			

